



نقش واسطه‌ای رضایت زناشویی و رابطه مادر-کودک در استفاده آسیب‌زای مادران
از شبکه‌های اجتماعی مجازی و مشکلات رفتاری کودکان (مطالعه کمی و کیفی)
**Mediating Roles of Marital Satisfaction and Mother-Child Relationship
in Pathological Use of Social Networking Sites of Mothers and Behavioral
Problems of Children (Quantitative and Qualitative study)**

Mahya Yarigaravesh
Faride Ameri
Azam Farahbidjari
Gholam Reza Dehshiri

محیا یاریگرویش*
فریده عامری**
اعظم فرح بیجاری**
غلامرضا دهشیری***

Abstract

The purpose of present is to determine the relationship between mother's pathological use of social networking sites with their marital satisfaction, their children, and their behavioral problems. These relationships are assessed by mixed method. In quantitative part, 323 mothers who had preschool children were chosen by convenience sampling. The method of research was correlational. SPSS 16 and Amos were used to analysis data. The method in qualitative method was grounded theory and the instrument was semi-structured interview. The sample in this part was 17 mothers who were SNS addictive and were chosen by purposeful sampling and extreme case sampling. In order to analyze data theoretical coding was used. In whole, the results of this research showed the relationship of pathological use of these networks specially dependence to them with low marital satisfaction, undesirable relationship with child and behavioral problems in children.

Keywords: Social Networking, Marital Satisfaction, Behavioral Problems of Children, Mother-Child Relationship

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه استفاده آسیب‌زای مادران از این شبکه‌ها با رضایت زناشویی، رابطه آن‌ها با فرزندان و مشکلات رفتاری فرزندانشان بود. از آنجایی که پژوهش حاضر به دنبال درک عمیق و کامل از فرآیند اثرگذاری متغیرها بر یکدیگر بود؛ بنابراین روش پژوهش از نوع آمیخته است. جامعه آماری شامل کلیه مادران کودکان ۳-۷ ساله شهر تهران و نمونه شامل ۳۲۳ نفر از مادران بود که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده در پژوهش حاضر شامل پرسشنامه استفاده آسیب‌زای شبکه‌های مجازی (SNSPUQ)، مقیاس سنجش رابطه (RAS)، مقیاس رابطه مادر-کودک (CPRS) و پرسشنامه توانایی‌ها و مشکلات کودکان (SDQ) بود. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش همبستگی و ابزار مورد استفاده برای تجزیه و تحلیل نرم‌افزارهای Spss 16 و Amos بود. در بخش کیفی پژوهش، از روش نظریه زمینه‌ای استفاده شد. نمونه در بخش کیفی ۱۷ نفر از مادرانی بودند که به استفاده از شبکه‌ها وابستگی داشتند و با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند انتخاب گردیدند. ابزار مورد استفاده در بخش کیفی، مصاحبه نیمه ساختاریافته بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی از کدگذاری نظری به وسیله خود محقق استفاده شد. به‌طور کلی، نتایج پژوهش بیانگر رابطه استفاده آسیب‌زای شبکه‌ها به‌ویژه وابستگی به آن‌ها با رضایت زناشویی پایین در زنان و ارتباط نامطلوب میان مادر و فرزند بوده و با بروز مشکلات رفتاری در کودکان نیز مرتبط است.

واژه‌های کلیدی: شبکه‌های مجازی، رضایت زناشویی، رابطه مادر-کودک، مشکلات رفتاری کودکان

* نویسنده مسئول: دکتری روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

** استادیار دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

*** دانشیار دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

مقدمه

سایت‌های شبکه‌های اجتماعی^۱ (شبکه‌های اجتماعی مجازی) مانند شبکه‌هایی چون تلگرام^۲، اینستاگرام^۳، فیس‌بوک^۴ و مانند این‌ها، امروزه مورد استفاده بسیاری از افراد دنیا بوده و به‌طور چشمگیری گسترش یافته است (تانگ و کوه، ۲۰۱۷)، علی‌رغم خدماتی که این شبکه‌ها در زمینه اطلاع‌رسانی و تسهیلات ارتباطی فراهم نموده‌اند، آسیب‌هایی نیز با خود به همراه داشته‌اند (الجوما، القوداه، آلبورسان، بخیت، ابدالجباز، ۲۰۱۶؛ بورک، ۲۰۱۲)، از جمله این آسیب‌ها می‌توان به تسهیل ارتباط با جنس مخالف، نقض حریم شخصی (پارکز، ۲۰۱۱)، اشاعه فحشا و بی‌بندوباری، هرزه‌نگاری، تهدید بنیان خانواده (کمال‌جو، نریمانی، عطاذخت و ابوالقاسمی، ۱۳۹۵)، آسیب روانی (زندوانیان و زین العابدینی، ۱۳۹۵) و مانند این‌ها اشاره کرد. یکی از برجسته‌ترین این آسیب‌ها، مسأله اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی است که به استفاده بیش‌ازحد و بیمارگونه از فیسبوک، توئیتر^۵، تلگرام، وایبر^۶، لاین^۷ و دیگر شبکه‌های اجتماعی مجازی همراه با احساس اجبار در استفاده از آن‌ها اشاره داشته، به‌گونه‌ای که باعث ایجاد مشکلات بین فردی و مداخله در امور و انجام وظایف خانوادگی، شغلی و تحصیلی، ایجاد اختلالات رفتاری و شخصیتی، وابستگی به شبکه‌ها و غفلت از دیگر جنبه‌های زندگی می‌گردد و دارای چنین علائمی می‌باشد: اشتغال خاطر زیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی (برجستگی^۸)، استفاده از شبکه‌ها برای کاهش احساسات منفی (تغییر خلق^۹)، استفاده از شبکه‌ها به مرور و بیشتر و بیشتر برای کسب لذت از آن (تحمل^{۱۰})، بروز پریشانی در صورت منع استفاده از شبکه‌ها (نشانه‌های انزوا^{۱۱})، بروز تعارض‌های بین فردی و درونی در فرد به‌خاطر استفاده از شبکه‌ها (تعارض^{۱۲})، بازگشت^{۱۳} شامل عقب‌گرد مکرر به الگوهای پیشین رفتار مزبور بعد از ترک، تلاش برای کنترل استفاده و نبود موفقیت در آن (گریفیث، ۲۰۱۳). استفاده از این شبکه‌ها باعث کاهش ارتباط میان اعضای خانواده (خسروی و علیزاده صحرایی، ۱۳۹۰؛ سواری، ۱۳۹۲) غفلت زن و شوهر از یکدیگر (روبرتز و دیوید، ۲۰۱۶) بروز اختلافات میان زوجین (فاکس، اوسبورن و واربر، ۲۰۱۴) افزایش روابط فرازناشویی (درویین، میلر و دیبل؛ ۲۰۱۴؛ زیدگوی، و کلایتون، ۲۰۱۶؛ کراونز، لکی و وایتینگ، ۲۰۱۳؛ کمال‌جو و همکاران، ۱۳۹۵) افزایش طلاق (کلایتون، ناگورنی و اسمیت، ۲۰۱۳؛ ولنزوتلا، هالپرن و کاتز، ۲۰۱۴) و کاهش رضایت زناشویی (روبرتز و دیوید، ۲۰۱۶؛ نورتروپ و اسمیت، ۲۰۱۶؛ کلایتون،

-
1. social network sites
 2. telegram
 3. instagram
 4. facebook
 5. twitter
 6. viber
 7. line
 8. salience
 9. mood modification
 10. tolerance
 11. withdrawal symptoms
 12. conflict
 13. relapse

ناگورنی و اسمیت، ۲۰۱۳؛ ولنزوتلا، هالپرن و کاتز، ۲۰۱۴) می‌گردد؛ رضایت زناشویی^۱ به معنای تجربه ذهنی شادکامی و خرسندی شخصی در روابط زناشویی و احساس خوب از ازدواج و مطلوبیت آن است (بومیستر^۲، ۲۰۰۷؛ به نقل از دهشیری و موسوی، ۱۳۹۵)؛ رضایت زناشویی یک تجربه فردی در ازدواج است که افراد آن را با توجه به میزان مسرت و خوشی در زندگی زناشویی ارزیابی می‌کنند. رضایت زناشویی به میزان رضایت بین زوجین اشاره می‌کند که این امر به معنای میزان رضایتی است که زوجین در روابط خود آن را احساس می‌نمایند (زارع و صفیاری جعفرآباد، ۱۳۹۴). تعامل‌های زوجین با یکدیگر بر کنش زناشویی آنان اثر می‌گذارد (مرادی اورگانی، فاتحی‌زاده، احمدی و اعتمادی، ۱۳۹۷). همچنین باید توجه داشت که ارتباط استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و رضایت زناشویی دوطرفه می‌باشد. یعنی رضایت زناشویی پایین سبب می‌شود که فرد به استفاده آسیب‌زا از شبکه‌ها روی بیاورد و همچنین استفاده بی‌رویه از شبکه‌ها باعث کاهش رضایت زناشویی می‌گردد (مک‌دانیل، دروین و کراونز، ۲۰۱۷).

براساس فرضیه سرایت^۳ (انگفر، ۱۹۸۸) مشکلات حوزه زناشویی می‌تواند به حوزه فرزندپروری منتقل شده و رابطه مادر-کودک^۴؛ یعنی سبک والدگری مادر را که در جریان ارتباطات متقابل میان مادر-کودک بروز می‌کند تحت‌تأثیر قرار دهد (حقیقی و خلیل‌زاده، ۱۳۹۰). کیفیت پایین رابطه میان مادر و کودک در برخی موارد می‌تواند منجر به ایجاد مشکلات رفتاری در کودکان شود (شکوهی‌یکتا، پرند و اکبری زردخانه، ۱۳۹۳). از طریق محبوبیت والدین می‌توان سازش‌یافتگی کودکان را پیش‌بینی کرد (عابدینی مزرعه، افروز، باغداساریانس و تجلی، ۱۳۹۶) مشکلات رفتاری کودکان به دو دسته تقسیم می‌شود: مشکلات بیرونی‌سازی^۵ از قبیل برون‌ریزی، ستیزه‌جویی و نافرمانی و رفتارهای قانون‌شکنانه و پرخاشگرانه و مشکلات درونی‌سازی^۶ شامل گوشه‌گیری، افسردگی، اضطراب و شکایات جسمانی (کوآی و پترسون، ۱۹۸۷). براساس پژوهش‌ها رابطه والد-کودک در ارتباط رضایت زناشویی و مشکلات رفتاری کودکان نقش میانجی دارد (راتکلیف، نورتون و دورتسچی، ۲۰۱۶؛ قره‌باغی، ۱۳۸۹) به‌طور کلی می‌توان گفت، اعتیاد به شبکه‌ها باعث ایجاد مشکلاتی در زندگی می‌گردد (یانگ و دابرو، ۲۰۱۰) فرد مبتلا به این نوع اعتیاد هرچه بیشتر در استفاده آسیب‌زا از شبکه‌ها درگیر شود، به همان میزان از فعالیت‌های خانوادگی فاصله می‌گیرد و بر سیستم خانواده اثر منفی می‌گذارد (نیرومند و ذهابی، ۱۳۹۴). در کل، زنان نسبت به مردان استفاده بیشتری از شبکه‌ها داشته و زمان بیشتری را صرف استفاده از آن‌ها می‌کنند (تانگ و کوه، ۲۰۱۷). همچنین میان آزردده‌خویی با میزان استفاده از شبکه‌های مجازی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد (رافضی و شجاعی، ۱۳۹۷) در پژوهش پیرجلیلی، مهدوی و ازکیا

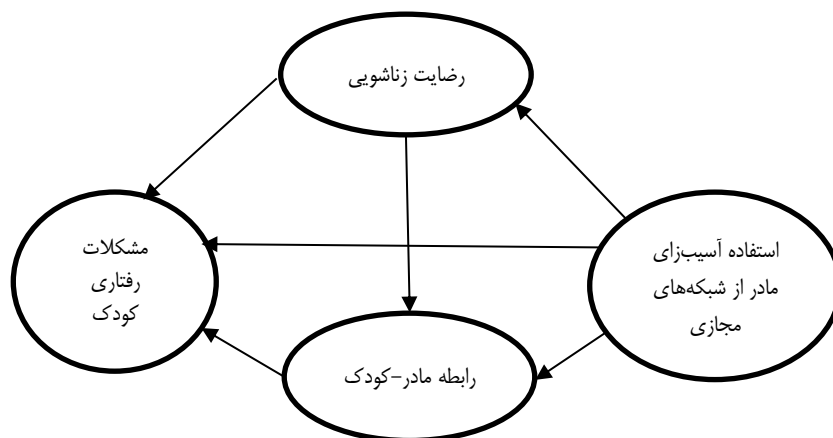
-
1. marital satisfaction
 2. Baumeister, M.
 3. spillover hypothesis
 4. mother-child relationship
 5. externalizing
 6. internalizing

(۱۳۹۶) که به شیوه کیفی نظریه زمینه‌ای^۱ به این مسأله اشاره شده که استفاده از شبکه‌های مجازی توسط والدین و اختلافات ناشی از آن بین ایشان سبب ایجاد جو ناآرام و پرتنش در خانواده می‌گردد که این محیط خانوادگی، باعث ایجاد مشکلات عاطفی و رفتاری در فرزندان می‌گردد. همچنین اشتغال بیش از حد والدین به استفاده از شبکه‌ها سبب می‌گردد تا زمان کافی برای رسیدگی به فرزندان خود، توجه به آن‌ها و انجام فعالیت مشترک با آنان را نداشته باشند. چنانچه می‌بینیم استفاده از شبکه‌ها و اعتیاد به آن‌ها برای بنیان خانواده آسیب‌هایی را به همراه دارد. ایجاد تعارضات میان زوجین، یکی از این آسیب‌هاست که نه تنها بر رابطه میان زوجین اثر می‌گذارد؛ بلکه به کل خانواده اشاعه یافته و باقی روابط در خانواده از جمله رابطه میان مادر و کودک را که اساسی‌ترین رابطه برای کودک می‌باشد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نارضایتی و اختلافات زناشویی، بر شیوه فرزندپروری مادر اثر منفی گذاشته و سبب می‌گردد تا کیفیت ارتباط مادر و فرزند مخدوش شود که این ارتباط مخدوش میان مادر و کودک در نهایت به بروز مشکلات عاطفی و رفتاری در کودکان منجر می‌شود (پیرجلیلی، مهدوی و ازکیا ۱۳۹۶). به همین دلیل، ضرورت دارد تا نقش متغیرهای رضایت زناشویی و رابطه مادر-کودک در ارتباط استفاده آسیب‌زا از شبکه‌ها و مشکلات رفتاری کودکان آن‌هم در قالب یک مدل مورد بررسی صورت نگرفته است، پس ضرورت بررسی این مسأله روشن می‌گردد. در پژوهش حاضر، درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال هستیم که استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، چه تأثیراتی بر روابط زوجین و روابط میان مادر و فرزند و مشکلات رفتاری کودکان دارد. فرضیه اصلی پژوهشی این است که استفاده آسیب‌زا از شبکه‌ها توسط مادران هم به‌طور مستقیم و هم به‌طور غیرمستقیم از طریق متغیرهای رضایت زناشویی و رابطه مادر-کودک بر مشکلات رفتاری کودکان اثرگذار می‌باشد. سؤال اصلی پژوهش این است که آیا زمانی که یک مادر به شکل آسیب‌زا از شبکه‌ها استفاده می‌کند، این مسأله می‌تواند میزان رضایت او از همسرش، کیفیت ارتباط با او و نوع رابطه با فرزندش را تحت تأثیر قرار دهد و این مسأله آیا می‌تواند باعث بروز اختلالاتی در کودکان مانند بیش‌فعالی، اضطراب و افسردگی شود؟ همچنین در مطالعه حاضر به منظور درک عمیق‌تر روابط میان متغیرها و جزئیات بیشتر از روش پژوهش کیفی نیز استفاده شده است. جهت پاسخ‌گویی به همه سؤالات، تنها روش کمی کافی نبود و از آنجایی که پژوهش به دنبال درک کامل از چگونگی اثرگذاری استفاده از شبکه‌ها توسط مادران بر روابط درون خانواده و مشکلات رفتاری کودکان است، در کنار روش کمی، روش کیفی نیز استفاده شد. سؤال بخش کیفی این است که استفاده آسیب‌زای مادران از شبکه‌های اجتماعی مجازی، چگونه و با چه فرآیندی می‌تواند بر مشکلات رفتاری فرزندانشان اثرگذار باشد؟ در حقیقت، بخش کیفی پژوهش به دنبال این است که روشن کند استفاده آسیب‌زا از شبکه‌ها چگونه و در چه ابعادی می‌تواند بر رضایت زناشویی تأثیر گذارد؟ استفاده آسیب‌زا از شبکه‌ها از چه طریق و به چه نحوی می‌تواند ارتباط میان مادر-کودک را تحت تأثیر قرار دهد؟ کیفیت مشکلات رفتاری

کودکان به چه صورت و با چه فرآیندی می‌تواند از استفاده آسیب‌زا از شبکه‌ها تأثیر پذیرد؟ فرضیات فرعی مطرح شده در پژوهش حاضر در بخش کمی به شرح زیر است:

- استفاده آسیب‌زا از شبکه‌های اجتماعی مجازی با رضایت زناشویی مادران رابطه معکوس دارد.
- استفاده آسیب‌زا از شبکه‌های اجتماعی مجازی با کیفیت رابطه مادر-کودک رابطه معکوس دارد.
- رضایت زناشویی مادران با کیفیت رابطه مادر-کودک رابطه مستقیم دارد.
- کیفیت رابطه مادر-کودک در مادران با مشکلات رفتاری کودکان رابطه معکوس دارد.

سؤالات دیگر مطرح شده در پژوهش حاضر شامل این موارد است: آیا استفاده آسیب‌زا از شبکه‌های اجتماعی مجازی از طریق رابطه با رضایت زناشویی با کیفیت رابطه با مادر-کودک ارتباط دارد؟ آیا استفاده آسیب‌زا از شبکه‌های اجتماعی مجازی از طریق رابطه با رضایت زناشویی با مشکلات رفتاری کودکان ارتباط دارد؟ آیا رضایت زناشویی از طریق رابطه مادر-کودک با مشکلات رفتاری کودکان ارتباط دارد؟ آیا استفاده آسیب‌زا از شبکه‌ها از طریق رابطه مادر-کودک با مشکلات رفتاری ارتباط دارد؟ برای سؤالات و اهداف مطرح شده در بخش کمی مدل مفهومی زیر ارائه شده است:



روش

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش

روش پژوهش حاضر از نوع آمیخته (کمی و کیفی) تبیینی بود. ابتدا به توضیح بخش کمی و سپس به توضیح بخش کیفی پرداخته می‌شود. در بخش کمی روش پژوهش از نوع همبستگی بوده و جامعه آماری را تمامی مادران کودکان ۳-۷ ساله شهر تهران تشکیل می‌دادند. نمونه از نوع در دسترس بوده و شامل ۳۲۳ نفر از مادرانی است که دارای ملاک‌های ورود به پژوهش بودند. لازم به ذکر است که در تعیین حجم نمونه مناسب برای مدل‌سازی معادلات ساختاری هیچ توافقی وجود ندارد. معمولاً حجم نمونه ۱۵۰-۱۰۰ نفر حداقل حجم نمونه برای اجرای مدل معادلات ساختاری تلقی می‌گردد و گاهی نمونه‌های بزرگ‌تر مثلاً ۲۰۰ نفر حداقل نمونه موردنیاز دانسته می‌شود. در پژوهش حاضر، با توجه به این که از مدل معادلات ساختاری استفاده شده است، تعداد نمونه ۳۲۳ نفری به دست آمده در بخش کمی برای این بخش از پژوهش کفایت می‌کند. (کلاین، ۲۰۱۰) ملاک ورود به پژوهش نیز شامل این موارد بود: استفاده از شبکه‌های مجازی حداقل یک‌بار در روز و متأهل بودن مادر. نمونه موردنظر از مکان‌های عمومی مانند پارک‌ها، سراهای محله، فرهنگسراها و مانند این‌ها برگزیده شدند. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای Spss و Amos و همچنین، ضریب همبستگی پیرسون و مدل معادلات ساختاری استفاده شده است.

در بخش کیفی از پارادیم نظریه زمینه‌ای استفاده شده است. ابزار پژوهش در این بخش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود. شرکت‌کنندگان مادرانی بودند که در پرسشنامه استفاده آسیب‌زا بالاترین نمرات را کسب کرده و کاربر آسیب‌زای شبکه‌های مجازی بودند. پس از کسب رضایت از شرکت‌کنندگان و انجام مصاحبه با آن‌ها که زمان آن حدود ۴۵ تا ۶۰ دقیقه بود و ضبط صدای آن‌ها، متن مصاحبه به دقت پیاده‌سازی شد. حجم نمونه با ۱۷ نفر به اشباع رسید. برای تحلیل داده‌ها از کدگذاری اساسی^۱ شامل کدگذاری باز^۲، محوری و گزینشی که استراس و کوربین در سال ۱۹۹۸ آن را معرفی کردند، استفاده شده است. در کدگذاری باز، ابتدا جملات مصاحبه با دقت خوانده می‌شد و به آن مفهومی تعلق می‌گرفت. در مرحله بعد یعنی کدگذاری محوری، مفاهیم در قالب مقولات اصلی و فرعی قرار گرفت. در مرحله نهایی یعنی کدگذاری گزینشی، با انتخاب چند مقوله حائز اهمیت همراه با محوریت یک مقوله کلیدی^۳ ارتباط میان مقولات شرح داده شد. این کار توسط خود محقق انجام شد.

برای افزایش اعتبار درونی (روایی) داده‌ها پس از انجام مصاحبه و پیاده‌سازی متن مصاحبه، از معیار باورپذیری^۴ استفاده شد. باورپذیری، به معنای بازگرداندن داده‌ها به افراد برای تأیید می‌باشد (ابوالمعالی، ۱۳۹۱). متن مصاحبه و برداشت‌های پژوهشگر به افراد شرکت‌کننده در مصاحبه بازگردانده و توسط آنان تأیید شد. برای

-
1. substantive coding
 2. open coding
 3. core category
 4. credibility

افزایش اعتبار درونی داده‌ها از معیار توافق‌پذیری^۱ نیز استفاده شد، یعنی مفاهیم و مقولات استخراج شده توسط محقق، نزد او نگاه داشته شد و متن مصاحبه‌ها به چهار متخصص دیگر برگردانده شد که کدگذاری‌ها توسط آن‌ها انجام گیرد تا شباهت مفاهیم و مقولات استخراج‌شده توسط محقق با مفاهیم و مقولات استخراج‌شده توسط محققان دیگر بررسی شود. پس از انجام کدگذاری توسط این محققان، شباهت زیادی میان مفاهیم و مقولات استخراج‌شده توسط دیگر محققان و مفاهیم و مقولات مستخرج توسط محقق وجود داشت. معیار مقبولیت داده‌ها از طریق درگیری مداوم با موضوع و داده‌های پژوهش تعیین شد و برای تأییدپذیری داده‌ها نیز، کلیه فعالیت‌های صورت گرفته شامل فرآیند انجام کار و چگونگی یافته‌های به‌دست آمده، به دقت ثبت شدند و گزارشی از فرآیند پژوهش ارائه گردید. لازم به ذکر است که پژوهشگر برای تعیین معیار قابلیت اعتماد^۲ به داده‌ها تمامی رویدادها، تصمیمات و انتخاب‌های خود در مورد نظریه، روش‌ها و تحلیل‌ها را در یک دفترچه یادداشت ثبت کرده و از یک مسیر گام‌به‌گام برای نتیجه‌گیری از داده‌ها استفاده نموده است.

ابزار سنجش

پرسشنامه استفاده آسپب‌زا از شبکه‌های اجتماعی مجازی^۳ (SNSPUQ): این پرسشنامه براساس ادبیات پژوهشی در این زمینه، توسط یاریگرروش (۱۳۹۷) ساخته شده است. پرسشنامه مذکور یک ابزار خودگزارش‌دهی استفاده از فضای مجازی است و استفاده آسپب‌زا از شبکه‌های اجتماعی مجازی را در مادران می‌سنجد که در مرحله مقدماتی پرسشنامه با ۳۳ سؤال روی نمونه ۶۴ نفری از مادران اجرا شد؛ در این مرحله آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۳ بود. سپس با حذف ۲ سؤال از پرسشنامه که همبستگی کمی با نمره کل داشتند، در نهایت پرسشنامه با مجموع ۳۱ سؤال روی نمونه اصلی اجرا شد. ضریب آلفای کرونباخ جهت بررسی پایایی این پرسشنامه در این مرحله برابر با ۰/۹۲ به‌دست آمد. همچنین با استفاده از روش چرخش اوبلیمین در مرحله نهایی تعداد دو عامل با نام‌های عامل «وابستگی به فضای مجازی» و عامل «رفتار پرخطر در فضای مجازی» برای این پرسشنامه به‌دست آمد که در مجموع ۴۰/۲ درصد از واریانس را تبیین می‌کرد. ضریب آلفای کرونباخ جهت بررسی پایایی زیرمقیاس‌ها برای زیرمقیاس وابستگی به فضای مجازی برابر با ۰/۹۰ و برای زیرمقیاس رفتار پرخطر در فضای مجازی ۰/۷۶ به‌دست آمد. با توجه به این که ضریب آلفای به‌دست آمده برای زیرمقیاس‌ها بیش از ۰/۷ می‌باشد. بنابراین، هر دو زیرمقیاس از پایایی مناسبی برخوردار هستند. هر سؤال در این پرسشنامه دارای ۵ گزینه است که این گزینه‌ها در یک طیف لیکرتی از «به‌هیچ وجه» = ۱ تا «خیلی زیاد» = ۵، قرار می‌گیرند.

مقیاس سنجش رابطه^۴ (RAS): مقیاس سنجش رابطه، به‌منظور ارزیابی میزان رضایت کلی افراد از رابطه صمیمی و نزدیک توسط هندریک (۱۹۸۸) ساخته شده است و شامل هفت سؤال با طیف پاسخگویی لیکرت

-
1. agreeableness
 2. dependability
 3. Social Network Sites Pathological use Questionnaire (SNSPUQ)
 4. Relationship Assessment Scale (RAS)

پنج درجه‌ای رضایت کم تا رضایت بالا می‌باشد. در مطالعه واگن و متیاستیک بایر (۱۹۹۹) پایایی این مقیاس ۰/۹۱ به‌دست آمد در بررسی خصوصیات روان‌سنجی نسخه فارسی این مقیاس نیز، ضریب آلفای کرونباخ آن در میان مردان برابر ۰/۸۷ و در میان زنان برابر ۰/۸۹ بود (دهشیری و موسوی، ۱۳۸۹). ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس در پژوهش حاضر ۰/۸۵ به‌دست آمد.

مقیاس رابطه والد-کودک^۱ (*MCRS*): این مقیاس توسط پیاننا برای اولین بار در سال ۱۹۹۲ ساخته شد و دارای دو فرم بلند ۳۳ سؤالی و فرم کوتاه ۱۵ سؤالی (۷ عبارت مثبت و ۸ عبارت منفی) است که ادراک والدین را در مورد رابطه خود با کودک می‌سنجد. فرم کوتاه این مقیاس شامل حوزه‌های نزدیکی و تعارض می‌باشد و برای کودکان سن ۳ تا ۱۲ سال استفاده می‌گردد. این مقیاس دارای طیف لیکرتی پنج درجه‌ای از ۵ = «قطعاً صدق می‌کند» تا ۱ = «قطعاً صدق نمی‌کند» می‌باشد. رابطه مثبت کلی که همان نمره کل است از مجموع نمرات حوزه نزدیکی و معکوس نمرات حوزه تعارض به‌دست می‌آید. پایایی این مقیاس برای نمونه ۷۱۴ نفری از کودکان ۴/۵-۵/۵ ساله برای زیر مقیاس تعارض ۰/۸۳ و برای زیر مقیاس نزدیکی ۰/۷۲ به‌دست آمد (پیاننا، ۱۹۹۲). در پژوهش حاضر، از فرم کوتاه ۱۵ سؤالی این مقیاس استفاده گردید. ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس در پژوهش حاضر برای زیر مقیاس تعارض ۰/۷۸ و برای زیر مقیاس نزدیکی ۰/۷ به‌دست آمد.

پرسشنامه توانایی‌ها و مشکلات کودکان^۲ (*SDQ*): این پرسشنامه برای سنجش و غربالگری اختلالات روان‌پزشکی کودکان در جامعه کودکان ۴ تا ۱۶ ساله انگلیسی به‌وسیله گودمن (۱۹۹۷) طراحی شد که شامل نسخه مخصوص والدین، نسخه مخصوص آموزگاران و نسخه خودگزارش می‌باشد. فرم‌های والدین و آموزگاران این مقیاس برای کودکان و نوجوانان ۳ تا ۱۶ ساله به‌کار می‌رود. در پژوهش حاضر، از نسخه مخصوص والدین استفاده شده است. این پرسشنامه شامل پنج زیر مقیاس است که عبارتند از: مشکلات سلوکی، نشانه‌های عاطفی، بیش‌فعالی-کمبود توجه، مشکلات با همسالان و رفتار نوع‌دوستی. هر زیر مقیاس پنج ماده دارد که براساس دامنه سه درجه‌ای طیف لیکرتی شامل: درست نیست (+)، کمی درست است (۱) و حتماً درست است (۲) پاسخ داده و نمره‌گذاری می‌شوند. پرسشنامه توانایی‌ها و مشکلات کودکان در مجموع ۲۵ سؤال دارد. لازم به ذکر است که نمره کامل مشکلات کودکان از مجموع نمرات چهار مقیاس مشکلات سلوکی، نشانه‌های عاطفی، بیش‌فعالی-کمبود توجه و مشکلات با همسالان به‌جز نمره مقیاس رفتار نوع‌دوستی به‌دست می‌آید. ضریب آلفای کرونباخ جهت بررسی پایایی برای زیر مقیاس بیش‌فعالی ۰/۷۱، نشانه‌های عاطفی ۰/۶۲، مشکلات سلوکی ۰/۵۶، مشکلات با همسالان ۰/۳۰ و رفتار نوع‌دوستی، ۰/۶۴ به‌دست آمد. ضریب آلفای کرونباخ مجموع مقیاس‌های نشانه‌های آسیب‌شناختی کودک که از داده‌های مادران به‌دست آمد نیز برابر ۰/۷۷ بود (قره‌باغی و آگیلار وفایی، ۱۳۸۸). در پژوهش حاضر، این ضریب برای تمامی مقیاس‌ها ۰/۷۴ بود.

1. Child-Parent Relationship Scale (MCRS)
2. Strengths and Difficulties Questionnaire (SDQ)

ابزار پژوهش در بخش کیفی پژوهش حاضر، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته می‌باشد. مصاحبه، رایج‌ترین شکل جمع‌آوری داده‌ها در پژوهش کیفی و اصطلاحی کلی برای توصیف روشی است که در آن یک گفت‌وگوی دوجانبه به همراه تبادلات کلامی و چهره‌به‌چهره بین شرکت‌کننده و پژوهشگر رخ می‌دهد. مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، مصاحبه عمیقی است که اغلب در مطالعات زمینه‌یابی و گروهی به کار می‌رود. مصاحبه نیمه‌ساختاریافته یا هدایت‌شده را گاهی مصاحبه عمیق هم می‌گویند که در آن از تمام شرکت‌کنندگان سؤالات مشابهی می‌پرسند، اما آن‌ها آزادند که پاسخ خود را به هر صورتی که مایلند ارائه دهند. در این مصاحبه از شرکت‌کنندگان در مورد استفاده از شبکه‌ها و میزان فعالیت در آن‌ها، نوع فعالیت آن‌ها در شبکه‌ها، مسائلی مانند گمنامی و خودفشایی در شبکه‌های مجازی که از جمله کاربردهای استفاده آسیب‌زا از شبکه‌ها هستند سؤال می‌شد. در خصوص نوع ارتباط با همسر و فرزند و وضعیت روانی فرزندان‌شان نیز سؤالاتی پرسیده می‌شد؛ همچنین مزایا و معایب استفاده از شبکه‌ها و راهبردهای استفاده سالم از شبکه‌ها از مواردی بود که در این مصاحبه مورد بررسی قرار می‌گرفت.

یافته‌ها

در این بخش به ارائه یافته‌های توصیفی و استنباطی در جهت پاسخ به سؤالات پژوهش پرداخته می‌شود. در پژوهش حاضر دامنه سنی مادران بین ۲۵ تا ۴۵ سال با میانگین ۳۴/۶ و انحراف معیار ۴/۶ بود. در جدول ۱، دیگر اطلاعات جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان پژوهش ارائه می‌شود.

جدول ۱- شاخص‌های توصیفی شرکت‌کنندگان

متغیر	فراوانی	درصد	متغیر	فراوانی	درصد
تحصیلات			شغل		
دیپلم و پایین‌تر	۱۹	۵/۹	خانه‌دار	۱۹۹	۶۱/۶
کاردانی	۸۵	۲۶/۳	شاغل	۱۱۴	۳۵/۳
کارشناسی	۱۴۱	۴۳/۷	تعداد فرزندان		
کارشناسی ارشد	۵۷	۱۷/۶	یک فرزند	۱۸۹	۵۳/۳
دکتری	۱۵	۴/۶	دو فرزند	۱۲۱	۵/۳۷
			سه فرزند	۴	۱/۲

جدول ۱، نشان‌دهنده شاخص‌های توصیفی شرکت‌کنندگان پژوهش شامل تحصیلات، شغل مادران و تعداد فرزندان آن‌ها می‌باشد.

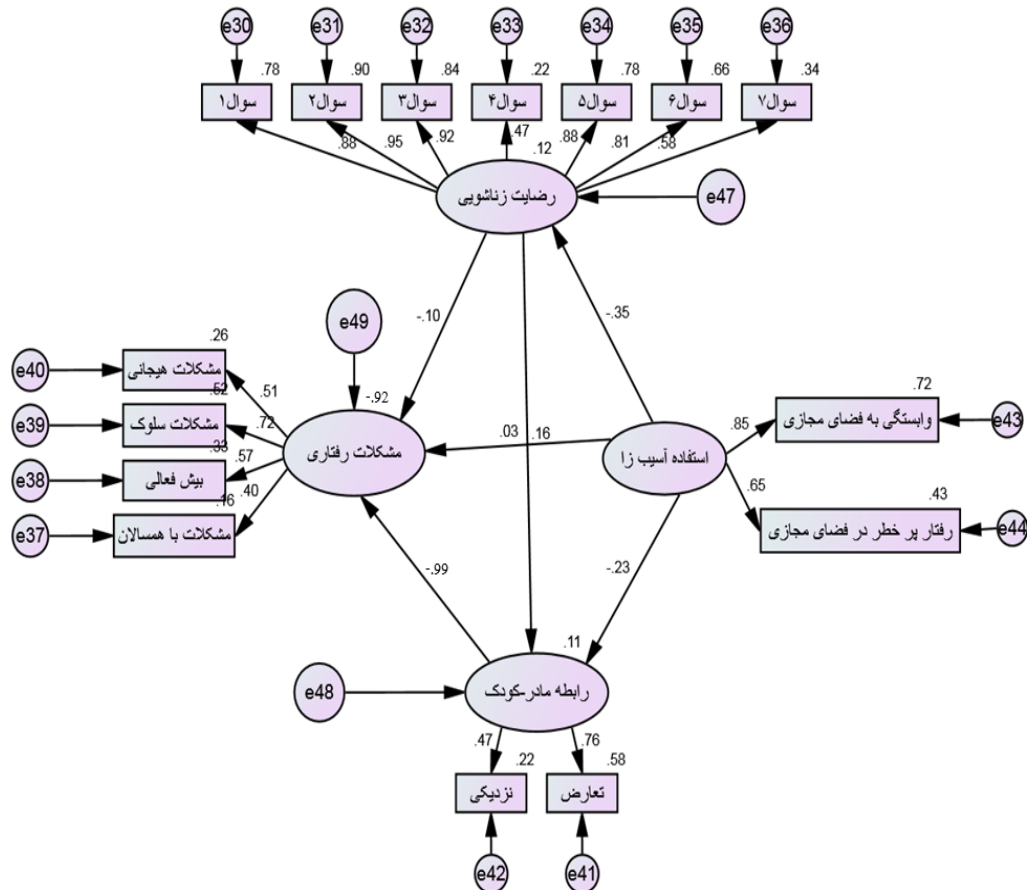
نتایج حاصل از همبستگی نشانگرها و میانگین و انحراف استاندارد مربوط به هر یک از آن‌ها در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲- ماتریس همبستگی نشانگرها

مقیاس	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱- رضایت زناشویی	۱								
۲- تعارض	۰/۱۵*	۱							
۳- نزدیکی	۰/۱۷**	۰/۳۵**	۱						
۴- مشکلات هیجانی	۰/۱۷**	۰/۳۹**	۰/۲۱**	۱					
۵- مشکلات سلوک	۰/۲۱**	۰/۵۶**	۰/۳۳**	۰/۳۳**	۱				
۶- بیش‌فعالی	۰/۲۱**	۰/۴۶**	۰/۱۸**	۰/۳**	۰/۴۴**	۱			
۷- مشکلات با همسالان	۰/۱۶*	۰/۲۸**	۰/۲۵**	۰/۳۳**	۰/۲۳**	۰/۲۴**	۱		
۸- وابستگی به فضای مجازی	۰/۲۷**	۰/۱۶*	۰/۲۲**	۰/۲۴**	۰/۲۱**	۰/۱۴*	۰/۱۶**	۱	
۹- رفتار پرخطر در فضای مجازی	۰/۳۴**	۰/۰۹	۰/۰۹	۰/۱۷**	۰/۲۱**	۰/۰۴	۰/۱۵*	۰/۵۵**	۱
میانگین	۲۷/۸	۲۶/۸۷	۳۱/۸۸	۱/۸۵	۲/۰۶	۳/۷۶	۲/۴۲	۳۹/۹۷	۹/۱
انحراف استاندارد	۶/۵	۵/۴۸	۲/۹۱	۱/۶۲	۱/۴۹	۲/۱۸	۱/۴۳	۱۱/۰۸	۱/۶۵

جدول ۲، ماتریس همبستگی بین نشانگرهای هر متغیر پژوهش را نشان می‌دهد. چنانچه در این جدول مشاهده می‌شود، همبستگی بین تمامی نشانگرهای پژوهش (متغیرهای مشاهده‌شده) معنادار است ($p < 0.05$) به‌عنوان مثال، رابطه بین متغیر تعارض و بیش‌فعالی $0.46-$ می‌باشد که به معنای معکوس‌بودن رابطه این دو متغیر است، لازم به ذکر می‌باشد که نمره نشانگر تعارض معکوس است.

به منظور بررسی فرضیه اصلی که استفاده آسیب‌زای مادران از شبکه‌های مجازی بر مشکلات رفتاری کودکان اثر دارد، از تحلیل معادلات ساختاری استفاده گردید. مدل بررسی‌شده به همراه شاخص‌های مربوط به برازش مدل در ادامه ارائه شده است.



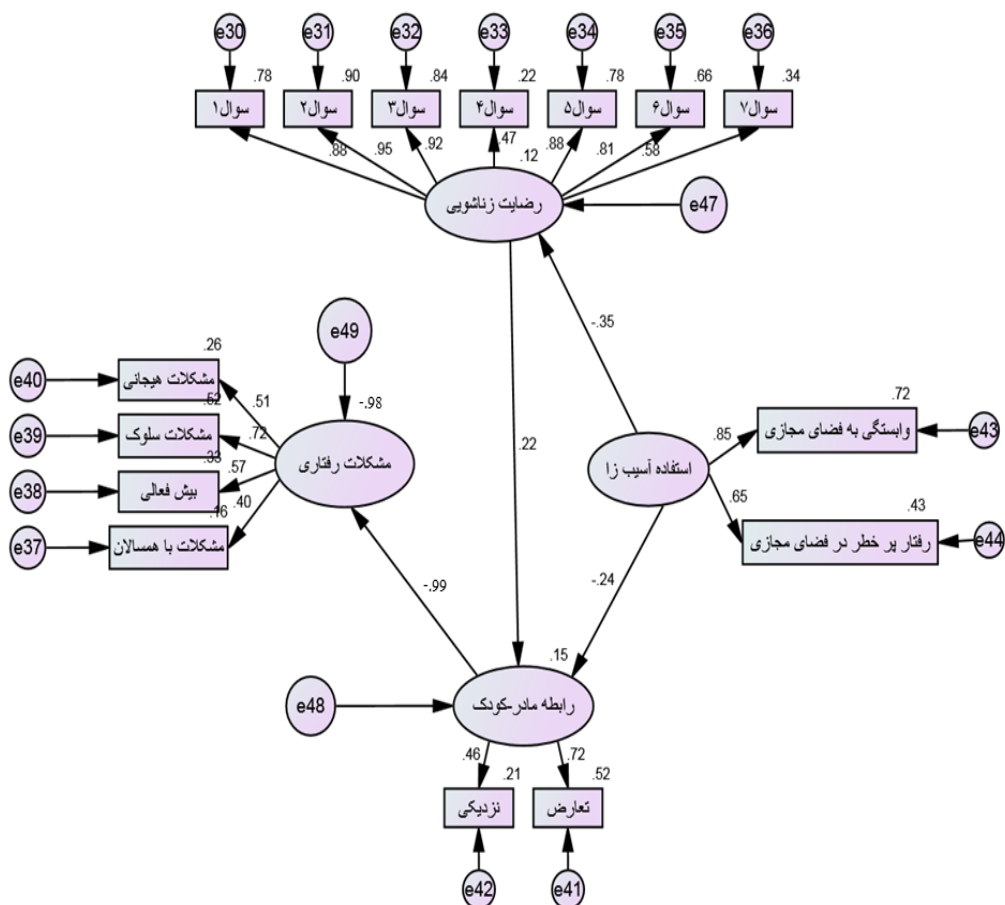
شکل ۱- ضرایب استاندارد مدل پیشنهادی برای بررسی مدل معادلات ساختاری پیشنهادی

در شکل ۱، ضرایب استاندارد مدل پیشنهادی به منظور بررسی مدل پیشنهادی نشان داده شده است. در ادامه برازش مدل ساختاری مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس در صورت برازش مطلوب مدل ساختاری پژوهش، ضرایب استاندارد و غیراستاندارد مدل به همراه خطای استاندارد مربوط به هر یک از ضرایب و سطح معناداری آن ارائه می‌شود:

جدول ۳- شاخص‌های کلی برازش مدل ساختاری پیشنهادی پژوهش

مقتصد	شاخص‌های کلی برازش مدل اندازه‌گیری				مطلق			
	IFI	CFI	TLI	χ^2/df	p	Df	χ^2	مدل
RMSEA	۰/۹۶	۰/۹۶	۰/۹۵	۱/۹۱	۰/۰۰۱	۸۴	۱۶۰/۸۹	

در جدول ۳، مقدار کا اسکور نسبی $1/91$ است که با توجه به اینکه کمتر از 5 می‌باشد قابل پذیرش است همچنین شاخص‌های CFI ، TLI و IFI همگی بالاتر از $0/9$ بوده و شاخص $RMSEA$ نیز کمتر از $0/08$ می‌باشد. بنابراین می‌توان ادعا کرد که مدل از برازش خوبی برخوردار است. زیرا به‌طور کلی، اگر کای اسکور و $RMSEA$ و دو مورد از شاخص‌های گروه تطبیقی در محدوده مناسب باشند، می‌توان ادعا کرد که مدل به‌طور نسبی مطلوب بوده و قابلیت بهینه‌سازی دارد. با توجه به مدل پیشنهادی، اثر مستقیم استفاده آسیب‌زا از شبکه‌ها بر مشکلات رفتاری کودک (ان $B=0/03$ ، $p=0/77$) و اثر مستقیم رضایت زناشویی بر مشکلات رفتاری معنادار نمی‌باشد (ان $B=-0/1$ ، $p=0/62$). بعد از حذف مسیرهای غیرمعنادار مجدداً مدل پژوهش برازش داده شد و مورد بررسی قرار گرفت. شکل ۲، مدل اصلاح‌شده را با حذف مسیرهای غیرمعنادار نشان می‌دهد:



شکل ۲- مدل اصلاح شده براساس حذف مسیرهای غیرمعنادار

جدول ۴- شاخص های کلی برازش مدل اصلاح شده

شاخص های کلی برازش مدل اندازه گیری								
مقتصد		تطبیقی			مطلق			
RMSEA	IFI	CFI	TLI	$\frac{\chi^2}{df}$	P	Df	χ^2	مدل
۰/۰۶	۰/۹۶	۰/۹۶	۰/۹۵	۱/۸۹	۰/۰۰۱	۸۶	۱۶۲/۶۸	

همانطور که در جدول ۴ مشاهده می شود، شاخص های TLI ، CFI و IFI همگی بالاتر از $۰/۹$ بوده و شاخص $RMSEA$ نیز کم تر از $۰/۰۸$ می باشد، همچنین مقدار کای اسکور نسبی با $۱/۹۸$ مورد قبول است. بنابراین، می توان ادعا کرد مدل از برازش خوبی برخوردار است.

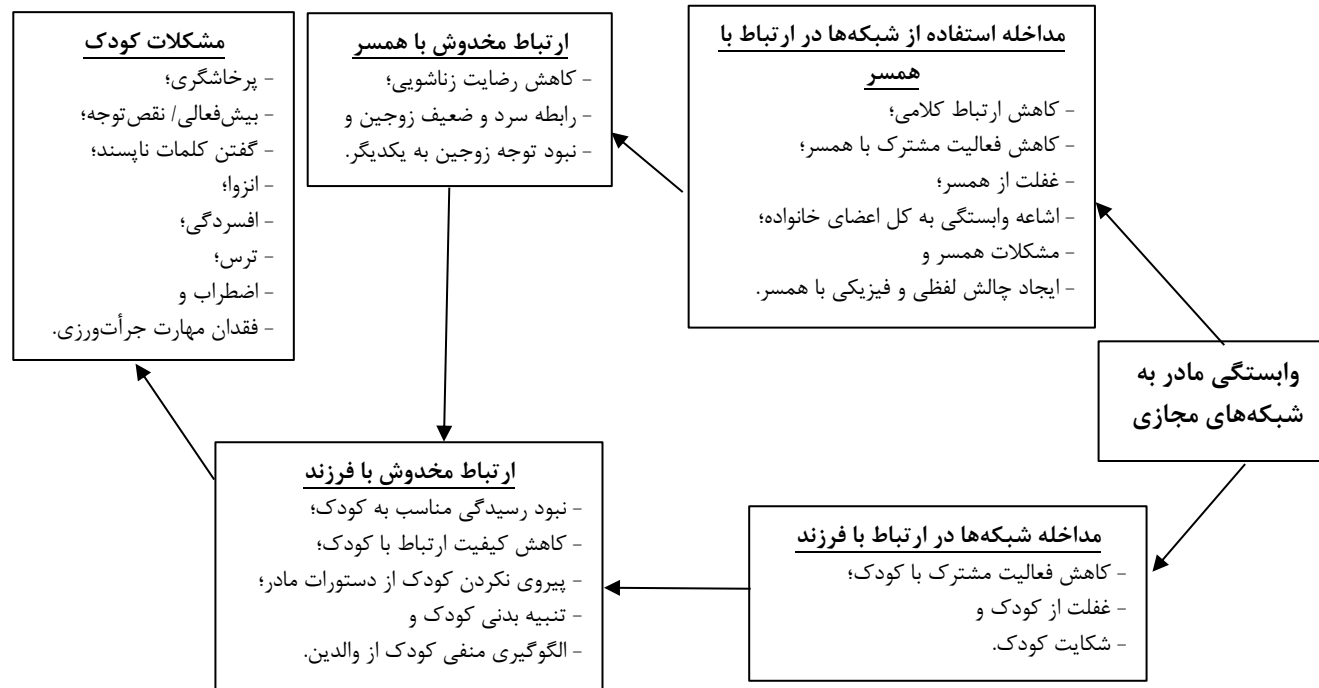
با توجه به مدل فوق اثر مستقیم میان استفاده آسیب زا از شبکه های اجتماعی مجازی بر رضایت زناشویی تأیید می گردد ($B=-۰/۳۵$, $p=۰/۰۰۱$) استفاده آسیب زا از شبکه های اجتماعی مجازی بر رابطه مادر-کودک اثر مستقیم معنادار دارد ($B=-۰/۲۴$, $p=۰/۰۰۳$) رضایت زناشویی در ارتباط استفاده آسیب زا از شبکه های اجتماعی مجازی با رابطه مادر-کودک نقش واسطه ای معنادار دارد ($B=-۰/۰۷۷$, $p=۰/۰۱$) همچنین اثر مستقیم رضایت زناشویی بر رابطه مادر-کودک تأیید می گردد ($B=-۰/۲۲۱$, $p=۰/۰۲$) رابطه مادر-کودک در ارتباط استفاده آسیب زا از شبکه های اجتماعی مجازی با مشکلات رفتاری کودکان نقش واسطه ای معنادار دارد ($B=-۰/۳۴۳$, $p=۰/۰۰۲$) رابطه مادر-کودک در ارتباط رضایت زناشویی با مشکلات رفتاری کودکان دارای نقش واسطه ای معنادار است ($B=-۰/۲۳۷$, $p=۰/۰۰۲$) اثر مستقیم رابطه مادر-کودک بر مشکلات رفتاری کودکان نیز معنادار است ($B=-۰/۹۹$, $p=۰/۰۰۱$) در جدول ۵ ضرایب مسیر هریک از متغیرها (مستقیم، غیرمستقیم و کل) ارائه شده است:

جدول ۵- جدول ضرایب مسیر متغیرهای به کار رفته در مدل اصلاح شده

P	حد بالا	حد پایین	خطای استاندارد (SE)	ضرایب استاندارد	ضرایب غیر استاندارد	اثرات	متغیرهای واسطه ای و متغیر ملاک	متغیرهای پیش بین
۰/۰۰۱	-۰/۲۱	-۰/۴۹	۰/۰۱	-۰/۳۵	-۰/۰۴	مستقیم	رضایت زناشویی	
۰/۰۰۲	-۰/۱۶	-۰/۴۷		-۰/۳۲	-۰/۲۲	کل		استفاده آسیب زا از شبکه های اجتماعی مجازی
۰/۰۰۳	-۰/۸۰	-۰/۴۱	۰/۰۴	-۰/۲۴	-۰/۱۸	مستقیم	رابطه مادر-کودک	
۰/۰۱	-۰/۰۴	-۰/۱۷		-۰/۰۸	-۰/۰۴	غیرمستقیم		
۰/۰۰۳	۰/۵۱	۰/۱۷		۰/۳۴	۰/۰۲	غیرمستقیم	مشکلات رفتاری	
۰/۰۴	۰/۲۶	-۰/۳۱		-۰/۲	۱/۰۵	کل		
۰/۰۲	۰/۳۷	۰/۱۰	۰/۳	۰/۲۲	۰/۸۹	مستقیم	رابطه مادر-کودک	رضایت زناشویی
۰/۰۲	-۰/۱۱	-۰/۴۱		-۰/۲۴	-۰/۱۴	غیرمستقیم	مشکلات رفتاری	
۰/۰۰۳	-۰/۹۲	-۱/۰۸	۰/۰۳	-۰/۹۹	-۰/۱۶	مستقیم	مشکلات رفتاری	رابطه مادر-کودک

جدول ۵ نشان‌دهنده ضرایب استاندارد و غیراستاندارد بین متغیرها و سطح معناداری مربوط به هریک از ضرایب می‌باشد. همانطور که ملاحظه می‌شود، با توجه به سطح معناداری به‌دست آمده کلیه اثرات مستقیم و غیرمستقیم به لحاظ آماری معنادار است ($P < 0/05$).

پس از ارائه نتایج کمی در این بخش به ارائه نتایج حاصل از تحلیل داده‌های کیفی پرداخته می‌شود. در بخش تحلیل داده‌ها با استفاده از سه نوع کدگذاری باز، محوری و گزینشی در مجموع ۴ مقوله اصلی، ۹ مقوله فرعی و ۳۸ مفهوم به‌دست آمد. مقولات اصلی شامل وابستگی به شبکه‌ها، کیفیت رابطه با اعضای خانواده، مداخله شبکه‌ها در ارتباط با اعضای خانواده و مشکلات رفتاری کودکان می‌باشد. مقولات فرعی نیز شامل نشانه‌های اصلی و فرعی وابستگی به شبکه‌ها، کیفیت ارتباط با فرزند، کیفیت ارتباط با همسر، مداخله شبکه‌ها در ارتباط با همسر مداخله شبکه‌ها در ارتباط با فرزند، مشکلات رفتاری درونی‌سازی و مشکلات رفتاری برونی‌سازی و مشکلات ارتباطی می‌گردد. پس از به‌دست آمدن مفاهیم و مقولات حاصل از کدگذاری باز و محوری براساس یادداشتهای فنی^۱ و تحلیل‌های انجام شده توسط پژوهشگر در کدگذاری گزینشی مقوله وابستگی به شبکه‌ها به‌عنوان مقوله کلیدی انتخاب شد و ارتباط آن با دیگر مقولات در قالب یک تبیین نظری بیان شد. ارتباط این مقوله با دیگر مقولات حاصل از کدگذاری محوری به همراه بخشی از مفاهیم تشکیل‌دهنده هر مقوله در شکل زیر نمایش داده شده است.



شکل ۳- نمودار اثرگذاری وابستگی مادر به شبکه‌های مجازی بر مشکلات رفتاری کودک

«مقولات»**وابستگی به شبکه‌های مجازی**

طبقه مرکزی وابستگی به شبکه‌های مجازی در پژوهش حاضر شامل دو طبقه فرعی نشانه‌های اصلی وابستگی و نشانه‌های جانبی وابستگی است. استفاده مفرط از شبکه‌های مجازی، زمان استفاده از شبکه‌های مجازی بیش از آنچه در ابتدا قصد شده بود و تلاش مجدد برای کاهش استفاده از شبکه‌های مجازی و موفق نبودن در آن، از جمله نشانه‌های اصلی وابستگی به شبکه‌های مجازی می‌باشد. کج خلقی در صورت دسترسی نداشتن به شبکه‌های مجازی، تداخل استفاده از شبکه‌های مجازی در انجام وظایف و مسئولیت‌ها و استفاده از شبکه‌ها برای فرار از احساسات ناخوشایند مانند تنهایی و درماندگی از جمله نشانه‌های جانبی وابستگی به شبکه‌های مجازی است.

مداخله استفاده از شبکه‌های مجازی در ارتباط با اعضای خانواده

این طبقه اصلی، دارای دو طبقه فرعی مداخله در ارتباط با همسر و مداخله در ارتباط با فرزند می‌باشد. مشغولیت به گوشی سبب می‌شود که آن‌ها مدت زمان زیادی حواسشان به یکدیگر نباشد، باهم صحبت نکنند و ارتباط کلامی‌شان به‌طور کلی کاهش یابد. همچنین مداخله استفاده از شبکه‌های مجازی در ارتباط با فرزند، گاهی سبب شکایت کودک به مادر می‌شود.

کیفیت ارتباط با اعضای خانواده

این طبقه شامل دو طبقه فرعی کیفیت ارتباط با همسر و کیفیت ارتباط با کودک است. اذعان به نبود رضایت زناشویی، رابطه سرد و ضعیف فرد با همسر، به دلیل ویژگی‌های شخصیتی همسر، شکایت هر دو زوج از کم‌توجهی به یکدیگر از جمله مفاهیم شکل‌دهنده کیفیت ارتباط مخدوش با همسر می‌باشد. الگوگیری منفی کودک از مادر و تنبیه بدنی، از جمله مسائلی است که باعث کاهش کیفیت ارتباط مادر و کودک می‌شود.

مشکلات کودکان

طبقه اصلی مشکلات کودکان، شامل سه طبقه فرعی مشکلات ارتباطی، مشکلات رفتاری بیرونی‌سازی و مشکلات رفتاری درونی‌سازی کودکان است. فقدان مهارت جرأت‌ورزی و مشکل دوست‌یابی، در طبقه فرعی مشکلات ارتباطی قرار گرفتند. بیش‌فعالی-نقص توجه و گفتن کلمات ناپسند، از جمله مسائل مطرح‌شده در طبقه بیرونی‌سازی بوده و انزوا و گوشه‌گیری، ترس و اضطراب در طبقه مشکلات درونی‌سازی قرار گرفتند.

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، به بررسی اثرات استفاده آسیب‌زا از شبکه‌های اجتماعی مجازی بر خانواده پرداخته شد و ارتباط استفاده آسیب‌زا از شبکه‌ها در مادران با مشکلات رفتاری فرزندان‌شان در بخش کمی هم به‌طور مستقیم و هم به شکل غیر مستقیم از طریق متغیرهای واسطه‌ای رضایت زناشویی و رابطه مادر کودک و هم به شیوه

کیفی بررسی گردید. یکی از فرضیات پژوهش حاضر در رابطه با اثرگذاری استفاده از شبکه‌ها بر رضایت زناشویی ارائه شد. چنانچه نتایج کمی نشان داد، استفاده آسیب‌زا از شبکه‌ها بر رضایت زناشویی اثر مستقیم و معنادار دارد که با نتایج پژوهش‌های روبرتز و دیوید (۲۰۱۶)؛ نورترپ و اسمیت (۲۰۱۶)؛ کلایتون، ناگورنی و اسمیت (۲۰۱۳) و ولنزونلا، هالپرن و کاتز (۲۰۱۴) در خصوص تأثیر استفاده از شبکه‌ها بر کاهش کیفیت زناشویی هماهنگ است. براساس این یافته، استفاده آسیب‌زای بیشتر از شبکه‌ها توسط مادران مانند وابستگی افراطی به شبکه‌ها (یوسفوند و همکاران، ۱۳۹۵)، چک کردن مداوم آن‌ها (مهدی‌زاده و اتابک، ۱۳۹۵) و انجام رفتارهای پرخطر در آن مانند افشای اطلاعات خصوصی (بلاچنیو، پرزیپورکا، بروچ و بالاکیر، ۲۰۱۶؛ پارکز، ۲۰۱۱؛ مهدی‌زاده و اتابک، ۱۳۹۵؛ همتی، حاجیلری و اصلانی، ۱۳۹۵)، پنهان‌کاری فعالیت‌های مجازی و مسائل مربوط به آن از همسر (مک‌دانیل، دروین و کراونز، ۲۰۱۷)، ارائه اطلاعات دروغین به دلیل ویژگی گمنامی در فضای مجازی (افشاری، میرزایی، کنگاوری و افشاری، ۱۳۹۴؛ بیدی و کارشکی، ۱۳۹۴)، ارتباط با جنس مخالف (یوسفوند و همکاران، ۱۳۹۵) و توجه‌نکردن به حریم شخصی (پارکز، ۲۰۱۱؛ همتی، حاجیلری و اصلانی، ۱۳۹۵) و خودافشایی (توسلی و جالوند، ۱۳۹۴) در شبکه‌ها با رضایت زناشویی پایین‌تر میان مادران همراه است و از طرفی رضایت زناشویی کمتر آنان را به استفاده آسیب‌زای بیشتر سوق می‌دهد که این یافته با پژوهش مک‌دانیل، دروین و کراونز (۲۰۱۷) مبنی بر ارتباط دو طرفه استفاده از شبکه‌ها و رضایت زناشویی و با پژوهش خسروی و علیزاده صحرایی (۱۳۹۰) مبنی بر رابطه مثبت تعارض در خانواده و اعتیاد به اینترنت همسوست. دومین فرضیه مطرح شده در پژوهش حاضر، در خصوص اثرگذاری استفاده آسیب‌زا از شبکه‌ها توسط مادران بر رابطه آنان بر فرزندشان بود. چنانچه نتایج نشان داد میان استفاده آسیب‌زا از شبکه‌ها و رابطه مادر-کودک ارتباط منفی معنادار وجود دارد. ارتباط منفی معنادار میان رابطه استفاده آسیب‌زا از شبکه‌ها و رابطه مادر-کودک نیز با پژوهش‌هایی که بیانگر اثرگذاری منفی اینترنت و فضای مجازی بر ارتباط میان اعضای خانواده می‌باشد، مطابقت دارد (خسروی و علیزاده صحرایی، ۱۳۹۰؛ سواری، ۱۳۹۲؛ روبرتز و دیوید، ۲۰۱۶). سؤال مطرح شده در پژوهش حاضر این بود که آیا رضایت زناشویی و رابطه مادر-کودک می‌توانند در ارتباط استفاده آسیب‌زا و مشکلات رفتاری نقش واسطه‌ای داشته باشند؟ براساس یافته‌ها، این نقش واسطه‌ای معنادار بود. تأیید نقش واسطه‌ای رضایت زناشویی و رابطه مادر-کودک در ارتباط استفاده آسیب‌زا از شبکه‌ها با مشکلات رفتاری کودکان با نظریه سیستمی در خانواده‌درمانی مطابق می‌باشد که بیانگر بروز نشانه‌های یک اختلال در فرد مانند یک کودک، نشانه وجود اختلال در سیستم مربوط یعنی خانواده می‌باشد و همچنین اگر فردی دچار اختلال و بدکارکردی باشد، کل خانواده را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد (گلدنبرگ، ۱۳۹۵؛ خسروی، ناهیدپور و خاقانی‌فرد، ۱۳۹۳) در تبیین این یافته می‌توان گفت، مادری که به استفاده از شبکه‌ها اعتیاد داشته و به شکل بیمارگونه و آسیب‌زا از آن‌ها استفاده می‌کند، این مسأله هم بر رضایت زناشویی او و هم بر ارتباط با فرزندش اثر می‌گذارد. اثر غیرمستقیم رضایت زناشویی بر مشکلات رفتاری، از طریق نقش واسطه‌ای رابطه

مادر-کودک مطابق با آن بخش از نظریه نظام‌های بوم‌شناختی برونفن برنر^۱ می‌باشد که بیانگر این است که رابطه زناشویی به‌طور غیرمستقیم با اثرگذاری بر رابطه مادر-کودک بر رشد و عملکرد کودک تأثیر دارد (برک، ۲۰۱۷)؛ همچنین این یافته با پژوهش قره‌باغی (۱۳۸۹) مبنی بر اینکه تعارض زناشویی پیش‌بینی‌کننده منفی رابطه والد-کودک می‌باشد و همچنین با پژوهش راتکلیف، نورتون و دورتسچی (۲۰۱۶)، مبنی بر نقش واسطه‌ای رفتارهای فرزندپروری مادر در ارتباط میان کیفیت رابطه با همسر و رفتار کودک همسوست. تأیید نقش واسطه‌ای رابطه مادر-کودک میان ارتباط رضایت زناشویی با مشکلات رفتاری با آن یافته از پژوهش قره‌باغی (۱۳۸۹) مبنی بر تأییدکردن نقش واسطه‌ای رابطه مادر-کودک میان تعارض زناشویی و مشکلات آسیب‌شناختی عاطفی و رفتاری کودکان همسو نیست. از دیگر فرضیات مطرح‌شده، ارتباط رضایت زناشویی با رابطه مادر-کودک بود که این رابطه نیز معنادار به‌دست آمد. ارتباط معنادار رضایت زناشویی با رابطه مادر-کودک نیز، با فرضیه سرایت (انگفر، ۱۹۸۸) مبنی بر انتقال مشکلات زناشویی به حوزه فرزندپروری هماهنگ بود. از دیگر فرضیات مطرح‌شده، اثرگذاری رابطه مادر-کودک بر مشکلات رفتاری کودکان بود. این فرضیه نیز معنادار به‌دست آمد. اثر مستقیم رابطه مادر-کودک بر مشکلات رفتاری کودکان با یافته‌هایی چون پیش‌بینی‌پذیری رفتار کودک از طریق رابطه مادر-کودک (مارک و پایک، ۲۰۱۷) وجود رابطه منفی میان فرزندپروری مقتدرانه با مشکلات درونی‌سازی و برونی‌سازی کودکان (شفیع‌پور، شیخی، میرزایی و احسان کاظم‌نژاد، ۱۳۹۴) و وجود رابطه مثبت میان فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه با این مشکلات (شکوهی‌یکتا و همکاران، ۱۳۹۳) همسوست. همچنین با پژوهش خانجانی و همکاران (۱۳۹۵) مبنی بر اینکه رابطه مخدوش میان مادر و کودک مانند رابطه همراه با تهدید، تحقیر و توهین بر مشکلات رفتاری کودکان اثر دارد، هماهنگ است. نتایج کیفی، بیانگر فرآیند اثرگذاری وابستگی از شبکه‌ها بر افزایش تعارضات میان زوجین و کاهش ارتباط میان آنان، کاهش کیفیت ارتباط مادر و کودک و در نهایت، بروز مشکلات رفتاری در کودکان می‌باشد. نتایج کیفی در راستای نتایج کمی بوده و بیانگر این است که وابستگی به شبکه‌ها باعث مداخله در رابطه با همسر می‌گردد که از مصادیق آن ایجاد چالش لفظی و فیزیکی، کاهش ارتباط کلامی با همسر، کاهش فعالیت مشترک با همسر و فرزند می‌باشد. همچنین غفلت از کودک و شکایت کودک از اشتغال بیش‌ازحد مادر به شبکه‌ها و مجموعه عوامل مذکور، سبب می‌شود که ارتباط مادر با کودک مخدوش شود و مادر فرصت رسیدگی مطلوب به فرزند را نداشته و رفتار پرخاشگرانه از خود نشان دهد که این مسأله به مرور زمان، سبب بروز مشکلات رفتاری در کودک مانند بیش‌فعالی، پرخاشگری، اضطراب، افسردگی و مشکلات ارتباطی می‌گردد. نتایج این پژوهش، با نتیجه پژوهش پیرجیلی و همکاران (۱۳۹۶) مبنی بر اثرگذاری شبکه‌ها بر ایجاد اختلافات زناشویی و اثرگذاری این اختلافات بر رابطه مادر و کودک و در نهایت، مشکلات رفتاری کودکان هماهنگ است. در تبیین این یافته‌ها از طریق تلفیق نتایج کمی و کیفی می‌توان گفت، هرچقدر استفاده از شبکه‌ها سالم‌تر و صحیح‌تر باشد، ارتباط میان زوجین از کیفیت بالایی برخوردار بوده و مادر می‌تواند به نحو مطلوب‌تری به

1. Bronfenbrenner, U.

نیازهای کودک پاسخ داده و با او رابطه بهتری برقرار کند. در نتیجه، فرزند او نیز از سلامت روانی بالاتری برخوردار است و برعکس. اگر استفاده از شبکه‌ها آسیب‌زا باشد؛ یعنی مادر به استفاده از شبکه‌ها وابستگی داشته و در آن‌ها به انجام رفتارهای پرخطر مانند خودافشایی، پنهان‌کاری از همسر، ارتباط با جنس مخالف و برقراری روابط فرازنشویی بپردازد، در رابطه میان زوجین تعارض ایجاد شده و سبب می‌گردد که مادر از زندگی زناشویی خود رضایت کافی نداشته باشد. سپس این نارضایتی و تعارض به رفتارهای فرزندپروری او نیز انتقال یافته و مادر نمی‌تواند با فرزند خود رابطه مطلوبی برقرار نماید. در نتیجه این مسأله، به بروز مشکلات رفتاری در کودک منجر می‌شود. از جمله محدودیت‌های این پژوهش در بخش کمی، استفاده از شیوه نمونه‌گیری در دسترس و در بخش کیفی، این بود که تمامی کسانی که واجد شرایط شرکت در مصاحبه بودند و از شبکه‌ها استفاده آسیب‌زا داشتند، حاضر به همکاری در پژوهش نبودند. بررسی نقش ویژگی‌های شخصیتی مادران در ارتباط با استفاده آسیب‌زا از شبکه‌ها، بررسی استفاده آسیب‌زا از شبکه‌ها در مردان، از جمله پیشنهادهای پژوهش حاضر است.

منابع

- کمال‌جو، ع.، نریمانی، م.، عطادخت، ا.، و ابوالقاسمی، ع. (۱۳۹۵). مدل‌یابی علی تأثیرات هوش معنوی و اخلاقی بر روابط فرازنشویی با واسطه‌های شبکه‌های مجازی و رضایت زناشویی. *پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*، ۶(۲۴)، ۵۴-۶۶.
- زندوانیان، ا.، و زین‌العابدینی، ز. (۱۳۹۵). رابطه سواد رایانه‌ای و تجربه شبکه‌های اجتماعی مجازی در دانشجویان دختر دانشگاه یزد. *نامه آموزش عالی، دوره جدید*، ۳۳(۸)، ۸۱-۶۳.
- خسروی، ز.، و علیزاده صحرائی، ا. ه. (۱۳۹۰). رابطه اعتیاد به اینترنت با عملکرد خانواده و سلامت روان در دانش‌آموزان. *مجله مطالعات روان‌شناسی تربیتی*، ۱۴(۱)، ۸۲-۵۹.
- سواری، ک. (۱۳۹۲). بررسی رابطه سلامت روان و روابط خانوادگی با اعتیاد به تلفن همراه. *پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*، ۳(۱۰)، ۱۱-۳.
- دهشیری، غ.، ر.، و موسوی، س. ف. (۱۳۹۵). خصوصیات روان‌سنجی نسخه فارسی مقیاس سنجش رابطه بین زوجین. *خانواده‌پژوهی*، ۱۲(۱)، ۱۵۴-۱۴۱.
- زارع، ب.، و صفیاری جعفرآباد، ه. (۱۳۹۳). مطالعه رابطه عوامل مؤثر بر میزان رضایت از زندگی زناشویی در میان زنان و مردان متأهل شهر تهران. *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۱۳(۱)، ۱۴۰-۱۱۱.
- مرادی، ع.، فاتحی‌زاده، م.، احمدی، س. ا.، و اعتمادی، ع. (۱۳۹۷). اثربخشی درمان بین‌فردی فراشناختی بر آسیب‌های تعاملی زوجی مردان دارای علائم شخصیت خودشیفته: پژوهش مورد منفرد. *مطالعات روان‌شناسی بالینی*، ۸(۳۲)، ۱-۲۷.
- حقیقی، م. م.، و خلیل‌زاده، ر. (۱۳۹۰). بررسی ارتباط بین رضایت زناشویی و سبک‌های فرزندپروری. *دو ماهنامه دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه*، ۱۰(۱)، ۲۵-۲۱.
- شکوهی‌یکتا، م. م.، پرند، ا.، و اکبری زردخانه، س. (۱۳۹۳). اثربخشی آموزش مهارت حل مسأله بر استرس و سبک فرزندپروری والدین. *روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۱۲(۴۵)، ۳-۶.

- عابدینی مزرعه، س.، افروز، غ.، ع.، باغداساریانس، آ.، و تجلی، پ. (۱۳۹۶). رابطه رضایت‌مندی زوجیت و محبوبیت والدین با پیشرفت تحصیلی فرزندان. *مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد*، ۱۶۳-۱۵۴، ۵/۶۱.
- قره‌باغی، ف. (۱۳۸۹). نقش تعارض زناشویی و رابطه والدین با کودک در نشانه‌های آسیب‌شناختی عاطفی و رفتاری کودک. *پژوهش‌های روان‌شناختی*، ۱۳(۱)، ۹۰-۹۰.
- نیرومند، ل.، و ذهابی، ش. (۱۳۹۴). بررسی عوامل مؤثر بر میزان حضور زنان در شبکه‌های اجتماعی مجازی مورد مطالعه: زنان ساکن شهر تهران. *مطالعات رسانه‌ای*، ۱۰(۲۸)، ۵۳-۶۶.
- رافعی، ز.، و شجاعی، م. (۱۳۹۷). رابطه ویژگی‌های شخصیتی با میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی: مدل پنج‌عاملی. *فصلنامه پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی*، ۹(۲)، ۳۱-۴۳.
- پیرجلیلی، ز.، مهدوی، س. م.، ص.، و ازکیا، م. (۱۳۹۶). آسیب‌شناسی تأثیر شبکه اجتماعی تلگرام بر روابط خانوادگی زوجین (شهر تهران سال ۱۳۹۵). *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۹(۱)، ۶۹-۹۰.
- ابوالعالی، خ. (۱۳۹۱). *پژوهش کیفی از نظریه تا عمل*. چاپ اول. تهران: نشر علم.
- یوسفوند، س.، محمدی مزینانی، آ.، و خدایاری مطلق، ص. (۱۳۹۵). مطالعه کیفی اهداف و انگیزه دانشجویان از تشکیل گروه در شبکه اجتماعی مجازی تلگرام. *دوفصلنامه تخصصی جستارهای اجتماعی*، ۱(۳)، ۸-۲۴.
- مهدی‌زاده، س. م.، و اتابک، م. (۱۳۹۵). استفاده از شبکه‌های اجتماعی و شکل‌گیری فرهنگ جوانی در جوانان تهرانی کاربر فیس‌بوک. *مطالعات فرهنگ-ارتباطات*، ۱۷(۳۴)، ۱۳۷-۱۰۴.
- همتی، ر.، حاجیلری، آ.، و اصلانی، ش. (۱۳۹۵). دانشجویان دختر و تجربه فیس‌بوک: یک پژوهش کیفی. *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، ۱۶(۱)، ۴۶-۷۲.
- افشاری، م.، میرزایی، م.، کنگاوری، م.، و افشاری، م. (۱۳۹۴). تجربیات دانشجویان از پیامدهای شبکه اجتماعی: یک مطالعه کیفی. *مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، ۴(۳)، ۲۶۵-۲۵۶.
- بیدی، ف.، و کارشکی، ح. (۱۳۹۴). *اعتیاد به اینترنت*. چاپ دوم. تهران: انتشارات آوای نور.
- توسلی، ا.، و جلالوند، ا. (۱۳۹۴). استفاده از اینترنت و تمایل به خوداظهاری (مطالعه موردی دانشجویان دختر یکی از دانشگاه‌های شهر تهران). *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۱۳(۴)، ۹۵-۱۲۳.
- خسروی، ز.، و عزیزاده صحرائی، ا. ه. (۱۳۹۰). رابطه اعتیاد به اینترنت با عملکرد خانواده و سلامت روان در دانش‌آموزان. *مطالعات روان‌شناسی تربیتی*، ۱۸(۱۴)، ۵۹-۸۲.
- سواری، ک. (۱۳۹۲). بررسی رابطه سلامت روان و روابط خانوادگی با اعتیاد به تلفن همراه. *پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*، ۳(۱۰)، ۳-۱۱.
- گلدنبرگ، ا. (۱۳۹۵). *خانواده درمانی*، ترجمه حمیدرضا حسین شاه‌ی براوتی، سیامک نقشبندی و الهام ارجمندی. چاپ هفدهم. تهران: نشر روان.
- خسروی، ز.، ناهیدپور، ف.، و خاقانی‌فرد، م. (۱۳۹۳). الگوی ساختاری ارتباط مشکلات عاطفی-روانی-رفتاری در خانواده اصلی با رضایت زناشویی زنان. *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۱۲(۳)، ۴۴-۵۹.
- برک، ل. (۱۳۹۵). *روان‌شناسی رشد*. جلد اول، چاپ سی‌وسوم. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: نشر ارسباران.

شفیع‌پور، س. ز.، شیخی، ع.، میرزایی، م.، و احسان کاظم‌نژاد، ل. (۱۳۹۴). سبک‌های فرزندپروری و ارتباط آن با مشکلات رفتاری کودکان. *پرستاری و مامایی جامع‌نگر*. ۲۵(۱/۶)، ۴۹-۵۳.

قره‌باغی، ف. و آگیلار وفاپی، م. (۱۳۸۸). ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه توانایی‌ها و مشکلات در نمونه کودکان ایرانی. *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*. ۱۵(۳)، ۲۴۱-۲۳۱.

خانجانی، ز.، پیمان‌نیا، ب.، و هاشمی، ت. (۱۳۹۵). پیش‌بینی کیفیت تعامل مادر-کودک با انواع اختلالات اضطرابی در کودکان دبستانی با توجه به ویژگی‌های فرهنگی مادران ایرانی. *اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۱۲(۲)، ۲۶۰-۲۳۹.

References

- Aljomaa, S. S., Qudah, M. F. A., Albursan, I. S., Bakhiet, S. F., & Abduljabbar, A. S. (2016). Smartphone addiction among university students in the light of some variables. *Computers in Human Behavior*, 61(3), 155-164.
- Błachnio, A., Przepiorka, A., Boruch, W., & Bałakier, E. (2016). Self-presentation styles, privacy, and loneliness as predictors of Facebook use in young people. *Personality and Individual Differences*, 94(3), 26-31.
- Drouin, M., Miller, D. A., & Dibble, J. L. (2014). Ignore your partners' current Facebook friends; beware the ones they add! *Computers in Human Behavior*, 35, 483-488.
- Engfer, A. (1988). The interrelatedness of marriage and the mother-child relationship. *Relationships Within Families: Mutual Influences*, 20(16), 104-118.
- Fox, J., Osborn, J. L., & Warber, K. M. (2014). Relational dialectics and social networking sites: The role of Facebook in romantic relationship escalation, maintenance, conflict, and dissolution. *Computers in Human Behavior*, 5(7), 527-534.
- Griffiths, M. D. (2013). Social networking addiction: Emerging themes and issues. *Journal of Addiction Research & Therapy*, 4(5), 33-45.
- McDaniel, B. T., Drouin, M., & Cravens, J. D. (2017). Do you have anything to hide? Infidelity-related behaviors on social media sites and marital satisfaction. *Computers in Human Behavior*, 66(14), 88-95.
- Pianta, R. C. (1992). Measures Developed by Robert C. Pianta, Ph.D.- Curry School of Education. <http://curry.virginia.edu/about/directory/Robert-c.-pianta/measures>.
- Roberts, J. A., & David, M. E. (2016). My life has become a major distraction from my cell phone: Partner phubbing and relationship satisfaction among romantic partners. *Computers in Human Behavior*, 30(12), 134-141.
- Tang, C. S. K., & Koh, Y. Y. W. (2017). Online social networking addiction among college students in Singapore: Comorbidity with behavioral addiction and affective disorder. *Asian Journal of Psychiatry*, 25(9), 175-178.
- Valenzuela, S., Halpern, D., & Katz, J. E. (2014). Social network sites, marriage well-being and divorce: Survey and state-level evidence from the United States. *Computers in Human Behavior*, 36(14), 94-101.
- Strauss, A., & Corbin, J. (1998). *Basics of qualitative research: Procedures and techniques for developing grounded theory*.

- Hendrick, S. S., Dicke, A., & Hendrick, C. (1998). The relationship assessment scale. *Journal of Social and Personal Relationships*, 15(1), 137-142.
- Vaughn, M. J., & Matyastik Baier, M. E. (1999). Reliability and validity of the relationship assessment scale. *American Journal of Family Therapy*, 27(2), 137-147.
- Pianta, R. C. (1992). Measures Developed by Robert C.Pianta, Ph.D. - Curry School of Education. <http://curry.virginia.edu/about/directory/Robert-c.-pianta/measures>.
- Goodman, R. (1997). The strengths and difficulties Questionnaire. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 38(7), 581-586.